

SID



سرویس های ویژه



سرویس ترجمه تخصصی



کارگاه های آموزشی



بلاگ مرکز اطلاعات علمی



سامانه ویراستاری STES



فیلم های آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی



مقاله نویسی علوم انسانی



اصول تنظیم قراردادها



آموزش مهارت های کاربردی در تدوین و چاپ مقاله



بررسی علل تاثیر هنرهای اسلامی بر هنر غرب

علیرضا کشاورزی نیا a.r.keshavarzinya@gmail.com کارشناس ارشد تاریخ، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر، ایران

چکیده

هنر اسلامی اگرچه در آغاز ماهیت ترکیبی داشت و از دستاوردهای هنری و صنعتی سرزمین‌های مفتوحه اقتباساتی به عمل آورده بود، اما این بهره‌مندی‌ها را هم سو و هم جهت با محتوای دین و آیین جدید شکل داد. در همین راستا انواع هنرهای تجسمی و غیر تجسمی در قالبی جدید به رشد و شکوفایی قابل‌تحسینی دست یافت تا جایی که دستاوردهای عالی هنر اسلامی در اشکال گوناگون مورد توجه مردم و هنرمندان غیرمسلمان قرار گرفت و از مسیرهایی همچون اندلس و سیسیل در غرب نفوذ کرد. سؤال اصلی این است که نفوذ و تأثیر هنر اسلامی در غرب تا چه اندازه ای بوده است؟ این تأثیرپذیری در قالب کدام دستاوردهای هنری مسلمانان به شکل محسوس و قابل‌ذکری اتفاق افتاده است؟ و اینکه به لحاظ شرایط تاریخی در قلمروی مسلمانان و غرب، راه‌های عمده‌ی این انتقال کدام راه‌ها بوده‌اند؟

وجود آثار گرانبه‌ای هنر اسلامی درموزه‌های غرب از یک سو، نشانه‌های فراوان هنر اسلامی در آثار هنری غرب و حتی ریشه‌های اسلامی برخی اصطلاحات هنری نشان‌دهنده‌ی تأثیرپذیری غرب از هنر متکامل و رشد یافته‌ی اسلامی است.

این مقاله بر آن است با نگاهی توصیفی و تحلیلی و با بهره‌گیری از نوشته‌های نویسندگان مسلمان و پژوهشگران غربی به بررسی و تبیین ابعاد این تأثیرپذیری و راه‌های انتقال آن پردازد و همچنین به تأثیرات متقابل هنرهای اسلامی و غربی و نقاط اصلی تأثیرگذار اشاره نماید.

کلیدواژه‌ها: اسلام، هنر اسلامی، غرب، هنر غرب



مقدمه

اعتلای هنر اسلامی و رویارویی غربیان با دستاوردهای آن که با انگیزه‌های گوناگونی صورت گرفت، موجبات تحسین و حیرت اروپاییان را که در سطح پایین‌تری از بلوغ هنری قرار داشتند، فراهم نمود. در نتیجه انتقال هنرهای اسلامی از مسیرهای شناخته شده ای به غرب اتفاق افتاد. هنرهای اسلامی به صورت‌های متفاوت و در مقاطع گوناگون به غرب منتقل شد. این تأثیرات در دوره‌هایی به شکلی گسترده و فراگیر و در زمانهایی نیز با شدت کمتری جریان داشت. شناخت جنبه‌های مختلف این روند انتقال، بسیار با اهمیت است و در مورد این موضوع، ارائه نظراتی واحد و یکسان مشکل به نظر می‌رسد.

در این مقاله، ابتدا نگاهی کوتاه به ماهیت هنر اسلامی خواهیم داشت. سپس مسیرهای انتقال این هنر به غرب را بررسی نموده و در پایان به تحلیل و بررسی شیوه‌های تأثیرگذاری و کمیت و کیفیت آن خواهیم پرداخت.

۱- ماهیت هنر اسلامی

برای ارائه تصویری صحیح از ماهیت هنر اسلامی بهتر است در ابتدا تعریف پذیرفته شده خود از هنر را مطرح نماییم تا زاویه‌ی نگاه ما به این مقوله در عرصه‌ی فرهنگ و تمدن اسلامی روشن گردد. برخی هنر را علم و معرفت، دانش، فضل، کمال و ... دانسته و فعالیت هنری را فعالیت مبتنی بر نیروی تخیل و تجسم برای بیان حالات درونی یا تأثیرگذاری بر روی دیگران تعریف نموده‌اند (دهخدا، ۱۳۸۵، ذیل مدخل هنر)

اغلب پژوهشگران، هنرهای زیبا را به دو دسته‌ی هنرهای محسوس مانند مجسمه سازی، نقاشی، سفالگری، نمایش و ... و هنرهای غیر محسوس و معنوی مانند شعر و موسیقی و ... تقسیم می‌کنند. در مجموع باید عنوان کرد که در فعالیت‌های هنری، فایده‌ی مادی مورد نظر نمی‌باشد و انبساط خاطر حاصل از پرداختن به اینگونه فعالیت‌ها مورد نظر هنرمندان است.



البته در این مقاله، علاوه بر این گونه فعالیت‌ها، برخی از صنایعی را که در جهت تأمین مادیات مورد توجه می‌باشند و در همین حال ذوق و نبوغ هنری در پرداختن آنها به کار می‌رود نیز مورد نظر قرار داده‌ایم.

اما هنر در معانی ذکر شده چه روندی را بعد از ظهور اسلام پشت سر گذاشت؟ هنر اسلامی از چه منابعی تأثیر پذیرفت؟ و اندیشه‌های هنری در شبه جزیره عربستان در چه سطحی از رشد و بالندگی بودند؟ پاسخ به این سؤالات و پرسش‌هایی مانند آن ماهیت هنر اسلامی را تا اندازه ای روشن می‌سازد. اگرچه پاسخ‌های فراوانی به این سؤالات داده شده و موضوع بحث این مقاله نیز نمی‌باشد با وجود این توضیح مختصری در این مورد ارائه خواهیم داد.

نکته ای که در مورد اصالت هنر اسلامی همواره مورد نظر بوده است این است که آیا فرهنگ اسلامی در برخورد با سایر فرهنگ‌ها صرفاً یک پذیرنده بوده است یا خود نیز با فراهم نمودن بستر لازم، سرعت و جهت تازه ای به آن بخشیده است (مطهری، ۱۳۶۵: ۱۹ و ۲۰). البته برخی از محققان کوشیده‌اند با توجه به معیارهای خونی و روانشناسی و به دور از نگاهی علمی در مورد اعراب قبل از اسلام حکم صادر کنند در حالیکه باید به دور از نگاهی نژادی به اعراب، رشد و بلوغ فکری آن‌ها را مورد نظر قرار داد. اعراب قبل از ظهور اسلام یکدست نبوده‌اند و با توجه به شرایط اقتصادی و جغرافیایی دارای درجات مختلفی از اندیشه‌های هنری و اجتماعی بوده‌اند (جوادعلی، ۱۳۶۷: ۲۵۷)

نکته‌ی حائز اهمیت در مورد اعراب قبل از اسلام اینست که آن‌ها بیشتر در جهت رفع نیازهای حیاتی خود گام برمی‌داشتند و به همین جهت تنها واجد سطحی‌ترین مبانی فکری لازم برای یک زندگی متمدنانه بودند و اعراب بدوی و حضری هر کدام با توجه به رشد سطح زندگی خود خصوصیات بی‌شمار خود گرفته بودند. ویل دورانت نیز به این موضوع اشاره دارد که جامعه ای که درگیر تأمین خوراک باشد نمی‌تواند سد بین دنیای متمدن و بربریت را بشکند و به هنرهای عالی به عنوان شاخصی از زندگی متمدنانه بپردازد (دورانت، ۱۳۷۶: ۴)

نگاهی گذرا به عناصر فرهنگی شبه جزیره‌ی عربستان و به ویژه حجاز به عنوان منطقه‌ی ظهور اسلام نشان می‌دهد که تحت تأثیر عوامل اشاره شده‌ی قبلی بر زندگی اعراب (بدوی)، شعر



Athens

عرب، بارزترین جنبه از بلوغ و نبوغ آنها به شمار می‌رفته است. به نظر می‌رسد طبع هنری آنها تنها در فصاحت زبان تجلی یافته است. شاعران عرب در میان اعراب جایگاه ویژه‌ای داشتند و بدویان هوشمندی را به شعر می‌سنجیدند. در اصل شعر عرب از مسائل عادی زندگی و لوازم صحرا نشینی صحبت می‌کند و این گونه شیوه زندگی را ستایش می‌کند (حسن ابراهیم حسن، ۱۳۱۷: ۶۱). شعرا عرب را می‌توان آینه‌ی تمام نمای جنبه‌های مختلف زندگی اعراب قبل از اسلام دانست. هرچند این جنبه از هنر آنها نیز تابعی از زندگی آنها و برخاسته از طبیعت صحرا نشینی آنها بوده است. به عنوان مثال آنها برای حفظ انساب و افتخار به آن که برای عرب بیابانی اهمیت فراوانی داشت به شعر توجه بیشتری داشتند (منتظرالقائم، ۱۳۸۴، ۴۹)

با توجه به آنچه گفته شد معلوم می‌گردد که بستر لازم برای اعتلای اندیشه‌های هنری در اعراب قبل از اسلام وجود نداشت و ظهور اسلام از این لحاظ نیز آغاز مرحله‌ای نوین در زندگی اعراب بود؛ هرچند در دوران پیش از اسلام نیز در مناطقی از شبه جزیره که از شهر نشینی بالاتری برخوردار بودند شاهد آثار هنری باشکوهی بودیم. آیین اسلام و در پی آن فتوحات مسلمانان باعث آشنایی مسلمانان با دستاوردهای هنری سایر ملل متمدن آن روزگار شد. هنر اسلامی در آغاز حرکت خود مجموعه‌ای از هنرهای اخذ شده از ملل دیگر بود (هوک، ۱۳۶۸: ۱۹۳). از جمله مناطق تأثیرگذار در هنر مسلمانان، ایران، ارمنستان، بیزانس و آسیای مرکزی بود (اتینگهاوزن، ۱۳۷۸: ۱۰). هنر اسلامی پس از بهره‌گیری از شایستگی‌های هنری دیگر ملل در بستری که اسلام فراهم کرده بود رشد کرد و ملزومات آیین جدید را پذیرفت و شکلی اصیل و بنیانی تازه را از خود ارائه داد. به همین جهت، مساجد به عنوان اولین بنای مذهبی در اسلام، جلوه‌گاه هنر اسلامی شد و معمار مسلمان هر زیبایی را که در اطراف خود می‌دید، اگر آن را در خور عظمت و جلال خدا می‌یافت سعی می‌کرد تا در مسجد برای آن جایی باز کند و بدین ترتیب مسجد نمایشگاه انواع هنر اسلامی از جمله خوشنویسی، شعر، معماری، نقاشی و ... شد (زرین کوب، ۱۳۸۴: ۱۴۸)

علیرغم این مسایل عده‌ای از پژوهشگران غربی معتقدند وام‌داری هنر اسلامی از هنر تمدن‌های شکوفای آن روزگار و نژادهای گوناگون، به معنای هنری غیر دینی و فاقد نشانه‌های



اسلامی در آن است و نتیجه می‌گیرند که سبک اسلامی در هنر اعراب در دو قرن اول دیده نمی‌شود (تاریخ اسلام کمبریج، ۱۳۸۳: ۱۲۰)

در پایان اشاره به ماهیت هنر اسلامی باید بگوییم که اعراب مسلمان در پیشرفت هنرهای زیبا با توجه به اشارات مختلف منابع، کمبودی نداشته‌اند و همین عامل در تأثیر گذاری آن بر غرب بسیار مهم بوده است. تنها در قسمت‌هایی که تعصبات مذهبی سد راه مسلمانان بود تا حدودی شاهد کند شدن حرکت رو به جلوی هنر اسلامی هستیم. کریستی مستشرق غربی در وصف ماهیت هنر اسلامی به درستی عنوان می‌کند که «هنر اسلامی روحش را از عربستان و ساختمانش را از جاهای دیگر گرفته است» (میراث اسلام، بی تا: ۳۰) و در نتیجه نباید به راحتی از تأثیر ملزومات آیین جدید در شکل‌گیری هنر متعالی اسلامی گذر کرد.

۲- راههای انتقال هنر اسلامی به غرب

هنر اسلامی در قرون ۴ و ۵ هجری قمری مصادف با قرون ۱۰ و ۱۱ میلادی یکی از ادوار شکوفایی و بالندگی خود را سپری می‌کرد و تحسین کسانی را که از نزدیک با آن روبرو می‌شدند یا توصیفات آن رامی شنیدند برمی‌انگیخت. انگیزه‌های گوناگون، اروپاییان را به شرق کشانید و زمینه ساز آشنایی آن‌ها با هنر اسلامی شد. «میل به زیارت اماکن مقدسه، تشنگی مفرط به اخذ علوم اسلامی، اشتیاق به بازرگانی و غیره اروپاییان را به زمین‌های اسلامی آورد و هنگام بازگشت، آن‌ها علوم و هنرهای اسلامی را یاد گرفته بودند» (میراث اسلام: بی تا، ۳۵).

سفرهای اروپاییان به شرق در قرون ۱۱ و ۱۲ میلادی را می‌توان از نخستین تماس‌های غرب با هنر اسلامی و شرقی دانست (میکل، ۱۳۸۱: ۴۹۶). این مرحله، اولین مرحله از رشد فرهنگی اروپا بود و عناصر مطلوب تمدن اسلامی در این زمان به شکلی آزمندانه مورد توجه غرب قرار گرفتند (مک نیل، ۱۳۸۸: ۶۸۱)

سیسیل، اسپانیای اسلامی و جنگ‌های صلیبی، مسیرهای شناخته شده انتقال هنرها و علوم اسلامی به غرب هستند و کیفیت و کمیت این انتقال از جهات مختلف قابل بررسی است. به



لحاظ زمانی سیسیل و اسپانیا بر جنگ‌های صلیبی مقدم می‌باشند اما جنگ‌های صلیبی به این انتقال سرعت بخشیدند و فصل تازه ای را در تاریخ انتقال نفوذ هنرهای زیبا باز نمودند. این جنگ‌ها موجب نزدیکی شدید اهالی اروپا با مسلمانان شد، ضمن اینکه تجارت بازرگانان ایتالیایی با بنادر سوریه در نتیجه این جنگ‌ها ایجاد گردید (میراث اسلام، بی تا: ۶۹)

نکته ای که نباید از نظر دور داشت اینست که عمده‌ی تأثیرات تمدن اسلامی از طریق اسپانیا و سیسیل، جنبه فرهنگی و علمی داشت در حالیکه در جنگ‌های صلیبی، اروپاییان بیشتر با مسائل اجتماعی و اقتصادی مسلمانان آشنا شدند. آثار دانشمندان در قالب علوم اسلامی توسط دانشمندان و مترجمان مراکز علمی اسپانیا و سیسیل منتقل شدند ولی آنچه در جنگ‌های صلیبی مورد توجه قرار گرفت، اوضاع و احوال حاکم بر زندگی مسلمانان بود. تقدم رنسانس اسپانیا و ایتالیا بر دیگر کشورهای اروپایی نشانه ای روشن برای تأثیرات آشکار تمدن و فرهنگ اسلامی بر این مناطق است که زودتر از سایر مناطق غرب آمادگی لازم برای ورود به مرحله ای بالاتر از رشد و بالندگی فکری را کسب کردند.

علاوه بر این دوره‌های شناخته شده، در قرن ۱۵ میلادی نیز شاهد مطالعه دقیق و عمیق هنرهای شرقی توسط اروپاییان هستیم و قرن ۱۶ میلادی نیز قرنی بود که غربیان طرح‌های جدیدی را در نتیجه‌ی مطالعه و بررسی در صنایع و هنرهای زیبای اسلامی بوجود آوردند. سفرهای تجاری گسترده‌ی آنها به ویژه هلندی‌ها و انگلیسی‌ها به شرق، باعث راه یافتن آلات و ابزارهای غرب شد که مورد نیاز روزانه‌ی مردمانشان بود مانند فنجان‌هایی با تصاویر گل و برگ و ... و یا پارچه‌های پنبه ای به رنگ‌های مختلف (میراث اسلام، بی تا: ۷۰)

در مجموع می‌توان گفت، اگرچه انتقال دستاوردهای هنری مسلمانان به غرب در مقاطعی شتاب بیشتری به خود گرفت و جلوه‌های محسوس این تأثیرگذاری در اغلب سرزمین‌های غرب نمایان بود، اما این تأثیرات محدود به دوره‌های خاص و محدودی نبود و از همان اولین برخوردها میان دو جهان غرب و اسلام، مردمان غرب در تجارت، صنعت و علوم اسلامی، ذوق و سلیقه‌ی بخصوصی مشاهده کردند و خود را موظف دیدند که طعم هر یک را بچشند.



۳- بررسی و تحلیل تأثیرگذاری هنر اسلامی در غرب

آثار هنری مسلمانان که حاصل ذوق و استعداد هنری آنها بود، به مرور زمان و در مدت زمان چند قرن در سطحی عالی شکوفا شد و در گستره‌ی سرزمین‌های اسلامی به اوج پیشرفت و اعتلای خود رسید. هرگاه مسافران، تاجران و جنگاوران اروپایی قدم به قلمرو جهان اسلام می‌گذاشتند، از سطح رفاه و تجملات و تزیینات زندگی مسلمانان حیرت می‌کردند و در پی اقتباس و جذب این ظرافت‌های هنری بر می‌آمدند. این هنرها و جذابیتشان در مناطقی مانند اسپانیای اسلامی با وضوح بیشتری به چشم می‌آمد و اسپانیای اسلامی رؤیا و تحقق کمال و اوج هنرنمایی اسلامی به شمار می‌آمد که البته حضور حکومت‌های امویان در قرطبه، بنوعباد در اشبیلیه و بنو نصر در غرناطه (گرانادا) در این امر بی‌تأثیر نبوده است (هونکه، ۱۳۷۰: ۵۱۹)

هنرهایی که از طریق جهان اسلام به اروپا منتقل شده‌اند به دسته‌های مختلفی قابل تقسیم هستند و ملاک‌هایی متفاوت برای ارزیابی آنها می‌توان به دست داد. مسیرهای انتقال، میزان تأثیرگذاری، تأثیرات متقابل هنرهای غرب در آنها، هدف بهره‌گیری غرب از این هنرها و... نکات قابل تعمق در روند این انتقال می‌باشند. در ادامه با تقسیم انواع هنرهای منتقل شده به غرب، جوانب گوناگون آنها را مورد نظر قرار خواهیم داد:

۱- بخش قابل ملاحظه‌ای از این هنرها، صنایع هنری بودند که ساخت و پرداخت آنها در سرزمین‌های اسلامی بسیار رایج بود و دلیل عمده‌ی آن را می‌توان در رشد کیفی زندگی مسلمانان و نیاز آنها به انواع تزیینات و تجملات زندگی شهری و نیمه شهری دانست. اروپاییان از طریق مسیرهای یادشده با این گونه آثار هنری آشنا شدند و بسیاری از آنها را مولد ثروت دانسته و در تلاش جهت اقتباس و تولید آنها برآمدند. کارگاه‌ها و کارخانه‌های مختلف صنایع تزیینی در شهرهای کوچک و بزرگ اسلامی، شاهدهی بر رونق این هنرها در قلمرو مسلمانان بود.

انگیزه و هدف غربیان از انتقال دانش مسلمانان و دستاوردهای آنها در این صنایع، رسیدن به سود اقتصادی و بالا بردن میزان رفاه زندگی خود بود. یکی از این صنایع، شیشه‌سازی بود که در شهرهایی مانند بالغه در اسپانیا رواج داشت (محمدی، ۱۳۷۳: ۱۱۴). شواهدی از تأثیر این



Athens

صنعت در اروپا دیده می‌شود و شیشه گران ونیزی در قرن ۱۵ میلادی با یادگیری اصول آن از مسلمانان به شهرت رسیدند و از آنجا این هنر به سایر نقاط منتقل شد (ولایتی، ۱۳۸۴: ۳۱۵)

سفال گری نیز در شهرهایی از قلمرو مسلمانان رواج داشت به ویژه در شهر والانس در اسپانیا که سفال‌هایی رنگی تولید می‌کرد و به نقاط مختلف اروپا مانند ایتالیا، فرانسه و هلند صادر می‌شد و کاشی کبود مشتری فراوانی داشت (نوذری، ۱۳۸۷: ۲۸۷). امروزه نیز کاشی‌های رنگی با نام «ازلگو» در اسپانیا و پرتغال مورد استفاده مردم است که یادآور سبکی عربی در این صنعت است (حتی، ۱۳۶۶: ۷۵۸). کوزه‌هایی مخصوص دارو در ایران ساخته می‌شد که در ایتالیای سده ۱۵ میلادی با نام «آلبارلو» رواج یافت.

یکی دیگر از صنایعی که به شکلی هنرمندانه مورد توجه مسلمانان و در نتیجه تقلید اروپاییان قرار گرفت، پارچه بافی بود. پارچه‌های خوش بافت جهان اسلام باعث جذب تاجران اروپایی و ایجاد کارگاه‌هایی جهت تولید آن در غرب شد. از اوایل قرن ۱۲ میلادی، اقتباس نقشه‌های اسلامی میان پارچه بافان اروپا رایج شد و هنوز هم نمونه‌هایی از آن دیده می‌شود (حتی، ۱۳۶۶: ۷۵۹). غرناطه (گرانادا)، صقلیه (سیسیل) و قصر پالرمو از مراکزی بود که پارچه‌های به غرب صادر می‌شد. نمونه‌هایی دیگر از این دست صنایع، هنر تراشکاری فلزات و سنگ‌های گرانبها و همچنین ساخت اشیایی از جنس عاج با نقوش برجسته بود که با توجه به نمونه‌های مشابه و موجود آن در غرب به تأثیرات آشکار آن در اروپا پی می‌بریم.

در مورد این صنایع هنری باید به این نکته اشاره کنیم که آن‌ها در مجموع، آشکارترین دسته از هنرهای تأثیرگذار در غرب بودند و در سطح وسیعی به ویژه از اسپانیای اسلامی مورد اقتباس غرب قرار گرفتند. مهارت مسلمانان در پرداخت این صنایع، نیازمندی زندگی غرب به بهره بردن از آن‌ها برای ارتقای سطح رفاه زندگی خود و اقتصادی بودن و سودآوری تولید و داد و ستد آن‌ها از عوامل عمده توجه اروپاییان به آن‌ها بود.

۲- گونه ای دیگر از هنرهای اسلامی تأثیرگذار در غرب، هنرهایی هستند که به دلیل اثرات کم‌رنگ تر و همچنین تأثیرپذیری متقابل از غرب به صورت نامحسوسی خود را نشان می‌دهند و انتقال آنها به اروپا حتی از سوی بسیاری از مستشرقین نادیده گرفته می‌شوند.



Athens

برای نمونه، در مورد تأثیرات نقاشی اسلامی در اروپا، عده زیادی از محققان معتقدند به دلیل قیود مذهبی و اشاره‌های دین اسلام به عدم تصویرسازی موجودات زنده، انتقال این هنر به غرب ناچیز بوده است. اگرچه از دید همان پژوهشگران، مکاتب نقاشی اروپا پس از جنگ‌های صلیبی تحت تأثیر نقش و نگارهای آلات و اشیاء شرقی قرار گرفته‌اند و نقش شهرهای ونیز، پیزا و ژنوا در این انتقال برجسته تر بود (میراث اسلام، بی تا: ۷۳)

در مورد هنر موسیقی نیز باید به این نکته توجه نمود که تا قبل از سده‌ی ۱۰ میلادی تفاوت چندانی میان موسیقی غربی و اسلامی وجود نداشته است و هر دو مکتب، مقیاس فیثاغورس را به کار می‌بردند و از سبک یونان و سوریه بهره می‌بردند در نتیجه هنر موسیقی در بحث مورد نظر ما هنری است که نمی‌توان از تأثیر مستقیم، یکنواخت و محسوس آن در غرب صحبت کرد و اثبات ریشه‌های اسلامی هنر غرب، آسان به نظر نمی‌رسد. عده ای از محققان، ریشه‌ی موسیقی محلی اسپانیا و حتی تمامی اروپای جنوب غربی را در اسپانیای اسلامی جستجو می‌کنند و معتقدند بسیاری از ابزارهای موسیقی غربی از جهان اسلام مایه گرفته‌اند. ریشه‌های اسلامی برخی اصطلاحات موسیقی اروپا و ترجمه کتابهای موسیقی اسلامی در غرب نیز می‌تواند به جنبه‌هایی از این تأثیرپذیری اشاره کند (حتی، ۱۳۶۶: ۷۶۷)

هنر معماری اسلامی نیز از آن دسته از هنرهایی به شمار می‌رود که نظراتی یکسان در مورد تأثیرات فنون آن در غرب داده نشده است. عده ای معماری سبک گوتی را خالی از هرگونه تأثیری از معماری اسلامی دانسته و آن را تنها ترکیبی از سه سبک رومی، لاتینی و روم شرقی می‌دانند. اما با توجه به آثار به جامانده از غرب نمی‌توان انکار کرد که بسیاری از دقیق و نکات مهم معماری غرب برگرفته از شرق اسلامی است. این اقتباس از معماری اسلامی تا جایی گسترش می‌یابد که در اسپانیای اسلامی از اختلاط معماری مسیحی و اسلامی، سبکی جدید با نام «مودژار» پیدا شد و تا قرون ۱۴ و ۱۵ میلادی معمول بود (لوبون، ۱۳۳۴: ۷۴۴-۷۴۸)

اگر بخواهیم به برخی از این تأثیرات در معماری غرب اشاره کنیم، ساختن هلال‌های نوکدار، کنده کاری حروف بر روی سنگ و چوب و همچنین تزیینات بنا در برج و باروها، نمونه ای از اثرات معماری مسلمانان است. در جنوب فرانسه نوشتن حروف کوفی در تزیین ساختمان‌ها رواج یافت و در انگلستان در کلیسای وست مینستر، نقوشی بر فلزات ایجاد شده که برگرفته از



حکاکی مسلمانان بر روی چوب است. در فرانسه به طور مشخص در کلیساهایی مانند کلیسای شهر ماگن یا کلیسای کاند و کلیسای گاماش، معماری بنا متأثر از هنر اسلامی است (ولایتی، ۱۳۸۴: ۳۴۱)

هنرهای اشاره شده در این قسمت، هنرهایی بودند که غربیان نیز مدعی ارائه دستاوردهای عالی و شیوه‌های بدیع در آن هستند و این موضوع سبب ارائه نظراتی متناقض در ارتباط با تأثیرپذیری آن‌ها از هنرهای اسلامی می‌شود. در این هنرها تأثیراتی متقابل از هنر غربی در سبک‌های شرقی و اسلامی و همچنین ترکیب سبک‌های آن‌ها و ایجاد روش‌های جدید می‌باشیم.

۳- اما دسته ای از هنرها نیز بودند که در بین صنایع هنری قرار نمی‌گیرند و به عنوان هنری قابل تحسین به طور گسترده ای در غرب اثرگذار بودند مانند هنرهای مربوط به کتابت و در رأس آن صحافی که در قرن ۱۵ میلادی تأثیر غیر قابل انکاری بر غرب داشت و ونیزی‌ها با پیروی از آن‌ها صحافی می‌کردند و باعث گسترش آن در جهان شدند (ولایتی، ۱۳۸۴: ۳۲۱)

۴- نکته‌ی قابل اشاره در تأثیر هنرهای اسلامی در غرب، تأثیرات ناآگاهانه برخی از هنرها بوده است به عنوان مثال تقلید از حروف عربی در تزیینات غربی دیده می‌شود که بهترین مثال برای نفوذ مستقیم هنرهای اسلامی در غرب می‌باشد. این تقلید، تقلیدی ظاهری بوده و بدون توجه به محتوای آن رخ داده است. در نقاشی مسیح در کلیسای ارنا در شهر پادوا بر روی شانه‌ی راست وی کلمات عربی دیده می‌شود (میراث اسلام، بی تا، ۷۴)

نتیجه

بنا بر آنچه بیان شد، هنر اسلامی که در آغاز حرکت خود واجد ماهیتی ترکیبی بود و نژادهای گوناگونی در شکل‌گیری و تکامل آن نقش داشتند، با گذشت زمان و با توجه به بستر مناسبی که اسلام فراهم کرد به رشد خود ادامه داد و هرآنچه را که برای شکوفایی خود نیاز داشت به مرور زمان کسب نمود.



هنگامی که غربیان به دلایل مختلف نظامی، تجاری و مذهبی با دستاوردهای چشمگیر مسلمانان روبرو شدند، با اشتیاق فراوان از آن‌ها بهره گرفتند. البته این تأثیرات که در مقاله به آن اشاره شد در تمامی هنرها یکسان نبوده است و برخی از این اثرات تا قرون اخیر نیز تداوم داشته است. عمده‌ی راه‌های انتقال این هنرها، اسپانیای اسلامی، سیسیل و جنگ‌های صلیبی بودند. آمیختگی میان هنرهای غربی و اسلامی در مواردی منجر به شکل‌گیری سبک‌های تازه‌ای شد. حتی در قرون اخیر که غرب در عرصه‌ی هنر، مسیری جدید را طی می‌کند، ریشه‌های اسلامی بسیاری از هنرهای غربی قابل شناسایی است و این موضوع نشان می‌دهد که با وجود تغییرات فراوان هنر غرب در قرون اخیر، ردپای تأثیر هنر اسلامی در آثار به جا مانده از هنر غرب و حتی اصطلاحات هنر معاصر همچنان دیده می‌شود.

فهرست منابع و مآخذ

اتینگه‌اوزن، ریچارد؛ گرابر، الگ؛ هنر و معماری اسلامی، چاپ اول؛ ترجمه یعقوب آژند، تهران، نشر سمت، ۱۳۷۸.



- تاریخ اسلام کمبریج، ج ۲، چاپ اول؛ ترجمه تیمور قادری، تهران، نشر امیرکبیر، ۱۳۸۳.
- جواد علی؛ تاریخ مفصل عرب قبل از اسلام، ج ۱، چاپ اول؛ ترجمه دکتر محمد حسین روحانی، بی جا، کتابسرای بابل، ۱۳۶۷.
- حتی، فیلیپ؛ تاریخ عرب؛ ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۶۶.
- حسن ابراهیم حسن؛ تاریخ سیاسی اسلام؛ ترجمه عبدالحسین بینش، تهران، مؤسسه فرهنگی آرایه، ۱۳۱۷.
- دورانت، ویل؛ تاریخ تمدن، ج ۱، چاپ پنجم؛ ترجمه احمد آرام و دیگران، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۶.
- دهخدا، علی اکبر؛ فرهنگ متوسط دهخدا، ج ۲، چاپ اول؛ تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۵.
- زرین کوب، عبدالحسین؛ کارنامه اسلام، چاپ دهم؛ تهران، نشر امیرکبیر، ۱۳۸۴.
- لوبون، گوستاو؛ تمدن اسلام و غرب، چاپ چهارم؛ ترجمه سید محمدتقی فخرداعی گیلانی، بی جا، بنگاه مطبوعاتی علی اکبر علمی، ۱۳۳۴.
- محمدی، ذکراالله؛ نقش فرهنگ و تمدن اسلامی در بیداری غرب؛ قزوین، دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)، ۱۳۷۳.
- مطهری، مرتضی؛ آشنایی با علوم اسلامی، ج ۱، چاپ دوم؛ تهران، نشر صدرا، ۱۳۶۵.
- مک نیل، ویلیام هاردی؛ بیداری غرب، چاپ اول؛ ترجمه مسعود رجب نیا، بی نا، تهران، ۱۳۸۸.



منتظرالقائم، اصغر؛ تاریخ اسلام تا سال چهارم هجری، چاپ اول؛ انتشارات دانشگاه اصفهان، اصفهان، ۱۳۸۴.

میراث اسلام؛ جمعی از نویسندگان زیر نظر آلفرد گیوم و سرتوماس آرنولد؛ تهران، انتشارات کتابفروشی مهر، بی تا.

میکل، آندره؛ اسلام و تمدن اسلامی، ج ۱، چاپ اول؛ ترجمه حسن فروغی، تهران، نشر سمت، ۱۳۸۱.

نوذری، عزت الله؛ اروپا در قرون وسطی، چاپ چهارم؛ شیراز، نشر نوید شیراز، ۱۳۸۷.

ولایتی، علی اکبر؛ پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، ج ۲، چاپ چهارم؛ تهران، مرکز اسناد و خدمات پژوهشی وزارت امور خارجه، ۱۳۸۴.

هوک؛ سبک شناسی هنر معماری در سرزمین های اسلامی، ج ۲، چاپ اول؛ ترجمه پرویز ورجاوند، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۸.

هونکه، زیگرید؛ فرهنگ اسلام در اروپا، چاپ سوم؛ ترجمه مرتضی رهبانی، بی جا، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۰.

SID



سرویس های ویژه



سرویس ترجمه تخصصی



کارگاه های آموزشی



بلاگ مرکز اطلاعات علمی



سامانه ویراستاری STES



فیلم های آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی



مقاله نویسی علوم انسانی



اصول تنظیم قراردادها



آموزش مهارت های کاربردی در تدوین و چاپ مقاله